

مرزهای اخلاق

گفت و گو باش رزاد پیک حرفه
علی بابا ی

کتاب «مرزهای اخلاق» از دو بخش با نام های: 1) تبیین، و تحلیل و نقد نظریه های اخلاقی جدید درباره مرزهای اخلاق (مطالبه اخلاق) 2) تلاشی برای دفاعی قراردادگرایانه از اخلاق اعتدالگرایان تشکیلی شده است. در بخش اول به مباحثی چون: مولفه ها و مرزهای مطالبه اخلاق، مقایسه حداکثرگرایی، اعتدالگرایی و حداقلگرایی، تحلیل و نقد محدودیت، تحلیل و نقد انتخاب پرداخته شده است. در بخش دوم مولف کوشیده از اخلاق اعتدالگرایان دفاعی قراردادگرایانه انجام دهد. برای بررسی دو بخش کتاب گفت و گو باش رزاد پیک حرفه، مولف کتاب انجام داده

۱ م.

xxx

عنوان کتاب شما عنوانی بحث برانگیز است که تفکر درباره آن نه تنها در محافل دانشگاهی بلکه حتی در میان اقشار غیر دانشگاهی هم می تواند به نحوی ظهور و بروز کند. هر کسی می تواند درباره آن که مرزهای مفاهیم اخلاقی و حتی افعال اخلاقی چیست و کجاست بحث کند. به همین خاطر من از عنوان کتاب شروع می کنم. مرزهای اخلاق به چه معناست؟

منظور از مرزهای اخلاق، مرزهای شمول و گستردگی گستره خواسته های اخلاق از آدمی است. کتاب مرزهای اخلاق، به طور خاص، به دنبال پاسخ به این پرسشهاست: محدوده اخلاق تا کجاست؟ آیا همه اعمال ما با ما مورد داوری اخلاقی قرار می گیرند؟ آنها برخی از آنها را با ما در حیطه داوری اخلاقی گنجانده؟ آیا اخلاق فقط کار بد نکردن است؟ اینکه کار خوب کردن نیز از وظایف اخلاقی ماست؟ آیا انجام ندادن برخی از کارها، مانند بیعت و تهمت و دروغ، می تواند گواهی اخلاقی بودن ما باشد؟ اینکه ما، برای اخلاق بودن، دستکم در برخی از موارد، ملزم به انجام کارها می، مانند کمک به دیگران، نیز هستیم؟ آیا کمک به دیگران وظیفه اخلاقی ماست؟ فقط لطف ما؟

مهمترین مسائل مورد بررسی و پژوهش شما در کتاب مرزهای اخلاق چیست؟ و چه شد که توجه شما به این موضوع جلب شد؟

بسیاری از کنش (انجام دادن) ها و هلیش (فروگذاردن/اجازه دادن) های ما منجر به پدید آمدن حالت ارخداد ناخوشایند (آذنا) درد دیگران می شود. اگر برای ما باور باشد که اخلاق از ما می خواهد هرگز نباید باعث پدید آمدن حالت ارخداد ناخوشایندی در دیگران شود، باید در گوشه های بنشینیم و حتا با صدای بلند نفس هم نکشیم. بنابراین، نمی توان هر کنش اهلیشی را که به پدید آمدن حالت ارخداد ناخوشایندی در دیگران منجر به انجامد اخلاقی دانست. علاوه بر این، اگر گستره نیایدهای نخستین اخلاقی را بساز گسترده بدانیم، نظریه هنجاری ما آنقدر پرمطالبه خواهد شد که زیر پا گذاشتن آن دیگر چندان زشت نخواهد بود. من گمان می کنم که حاصل جمع زشتی یک عمل اخلاقی و دشواری و سختی پابندی به آن همواره مقداری ثابت است؛ یعنی هرچه پ روی از یک دستور اخلاقی آسانتر باشد آدمی آن زیر پا گذاشتن آن را زشتتر می داند و هرچه پ روی از یک دستور اخلاقی دشوارتر باشد آدمی آن زیر پا گذاشتن آن را کمتر زشت می داند. مثلا اگر استادی خواهسته ها ش با توانا های دانشجویانش هماهنگ باشد و از آنها بخواهد برای امتحان فقط یک کتاب دوست صفحاتی را مطالعه کنند، احتمالا هم پ شتر دانشجویان آن کتاب را مطالعه می کنند و نمره قبولی می گیرند و هم درس نخواندن و نمره قبولی نگرفتن در آن درس زشتی پ شتری خواهد داشت. حال، استادی را فرض کن که می داند که مرزهای اخلاقی را از دانشجویان بساز پ شتر از توانا های آنهاست و مثلا از دانشجویان مقطع کارشناسی می خواهد همه کتابهای را که به سه زبان فارسی و انگلیسی و آلمانی درباره کانت نوشته شده اند بخوانند و پرسشهای آزمون را از لایه های کتابهای غ رفارسی برگزینند. دانشجویان این استاد می دانند که هر قدر هم تلاش کنند نمی توانند در آن درس نمره قبولی بگیرند. بنابراین، مردودی در آزمون ز چندان زشت نخواهد بود. این امر درباره مرزهای اخلاقی نظریه های اخلاقی از آدمی ان ز صادق است. اگر نظریه های اخلاقی چنان پرمطالبه باشد که پ شتر افراد از عهده انجام آن بر نمانند، آدمی ان عطای اخلاقی بودن را به لقا ش خواهند بخشید و غ ر اخلاقی بودن چنان فراگیر خواهد شد که زشته اش را از دست خواهد داد. هدف من، در مرزهای اخلاق، یافتن نیایدهای نخستین برای آدمی ان و ترسیم کف خانه اخلاق است تا بتوانم هر کسی را که به هر

دلیل و مدعا می‌از این خانه فراری است با شه‌های استدلالی به این خانه مهمان کنیم. نظر به هنجاری من در مرزهای اخلاق، یک نظر به هنجاری خود (کردار) نگر و به سان آغاز راه و یک نقطه ثابت ارزشمندی برای شروع حرکت به سوی سقف آرمانی اخلاق و تدوین یک اخلاق خیم (شخصیت) گراست.

در پژوهش کتاب در صفحه بیست و یک چنین گفته‌اند: «در این جا باید به یک ادعای محتمل پاسخ بگویم و آن این است که فلسفه اخلاق فقط عبارت است از فرااخلاق» شما بر مبنای چه ادله‌ای این سخن را رد می‌کنید و چرا آن را با معنای فلسفه اخلاق متعارض می‌دانید؟

رابطه فلسفه اخلاق با فرااخلاق عموم و خصوص مطلق است: فرااخلاق بخشی از فلسفه اخلاق است، ولی فلسفه اخلاق صرفاً منحصر به فرااخلاق نیست و حوزه‌های دیگری، مانند اخلاق هنجاری و اخلاق کاربردی، را هم شامل می‌شود. صفحات 21 تا 23 مرزهای اخلاق به دفاع از این مدعا اختصاص دارند و در اینجا ذکر دوباره آن را اطناب ممل می‌دانم و خوانندگان محترم را به مطالعه آن صفحات ارجاع می‌دهم.

کتاب شما از دو بخش عمده تشکیل شده است: بخش نخست با نام تبیین، تحلیل و نقد نظریه‌های اخلاقی جدید درباره‌ی آن مطالبه اخلاق و بخش دوم تلاش برای دفاعی قراردادی گراانه از اخلاق اعتدالی گرا. در بخش اول چه موضوعات عمده‌ای را دنبال می‌کنید؟

هدف من در بخش نخست طرح چندین مبحث بسیار مهم و جدید در حوزه اخلاق هنجاری است که می‌توانند به بسط آری از پرسشها و مسأله‌های اخلاق کاربردی مطرح می‌شوند پاسخ دهند. بخش نخست سهگانه نوینی را در اخلاق هنجاری معرفی می‌کند که به گمان من از سهگانه رایج و جاافتاده در فضای فلسفی داخل کشور (معنی اخلاق ارسطویی، اخلاق کانتی و اخلاق فایده‌گرا) مهمتر است. هرچند که از این مباحث بیشتر، به طور مستقل، در جهان فارسی زبان مطرح نشده‌اند و این امر هم بر دشواری کار افزود و هم بر هجان آن. از سوی دیگر، همه معادلهای فارسی برای واژه‌های کلی مانند «مطالبه اخلاق، شمول، شدت، اولویت، سهگانه اخلاق حد اکثرگرا، اخلاق اعتدالیگرا، اخلاق حد اقلگرا، ایدئولوژی، دوگانه انجام/اجازه و دوگانه عامدانها/عامدانه به سلبه خود من انتخاب شده‌اند. اکنون گمان می‌کنم که می‌توان در برخی از موارد از معادلهای بهتری استفاده کرد. در اینجا از این فرصت استفاده می‌کنم و از همه اندیشمندان بزرگوار می‌خواهم با توجه به اینکه این بحث در فضای فکری کشورمان کاملاً جدید است و احتمالاً این معادلهای ماندگار خواهند شد، اگر پژوهش‌های بهتری دارند بر من منت نهند و آنها را در اختیار من بگذارند.

به نظر می‌رسد بخش دوم کتاب به بیان نظر شما اختصاص دارد. به هم این خاطر می‌خواهم ابتدا به توضیح مختصر قراردادیگرای و قراردادیگرای سودمحور بپردازم.

قراردادیگرای هم عنوان نظرهای ساسی درباره مشروعیت نظام ساسی است و هم عنوان نظرهای درباره بنیان عقلانی دستوره‌های اخلاقی و نخستینبار، در تاریخ فلسفه، در جمهوری افلاطون مطرح شد. قراردادیگرای در قرن شانزدهم بهوسله فلسفه متأخر مدرسی مانند سونارز و مولینا بسط قابلیتوجهی یافت و در قرن هفدهم به اوج خود رسید. قراردادیگرای، در این قرن، اولاً و بالذات، به عنوان نظرهای ساسی و در پاسخ به دغدغه‌های مربوط به مشروعیت دولت مطرح شد و به دنبال آن بود که پاسخی برای این پرسش باشد که چه چیزی می‌تواند وجود دولت را توجیه و التزام ما به آن را تبیین کند. قراردادیگرای، از نیمه دوم قرن بیستم، دوباره رونق یافت و در سطح وسیعی مورد اقبال عمومی واقع شد. علت این امر را می‌توان بسط و گسترش نظر به بازی، نارضایتی از براهین سنتی در دفاع از فایده‌گرایی و دیگر نظرهای رقابت‌برانگیز و گسترش این مفهوم دانست که افراد، در هر یک از این الزام اخلاقی و ساسی، شایسته و سزاوار جاگاهی شاخص، ممتاز و برجسته‌اند. این قراردادیگرای احشاده، برخلاف گونه قرن هفدهم و هجدهم، این بیشتر دغدغه‌های اخلاقی دارد و به دنبال دفاع و توجیه اخلاق است و حتا نظرهای قراردادیگراانه قرون هفدهم و هجدهم را نیز غالباً بر این مبنای تقسیم می‌کند. قراردادیگرایان در پاسخ به این پرسش که «از چه قواعد اخلاقی‌ای باید پیروی کنیم و آن قواعد چگونه توجیه می‌شوند؟ و چرا پیروی از قواعد اخلاقی عاقلانه است؟» به دو گروه کلی سودمحور و حقمحور تقسیم می‌شوند. قراردادیگرایان سودمحور بر این باورند که می‌توان قواعد اخلاقی را ابزاری برای دستیابی به اهداف و ارضای امال دانست و اخلاق را ابزاری برای ارضای امال شخصی دانست و اخلاق را بر پایه اصول انتخاب عقلانی بنا نهاد.

در ادامه پرسش پیش بفرما اخلاق اعتدال گرا چیست و شما آن را به چه معنایی به کار می‌برید؟
 اخلاق اعتدالگرا تقریباً همان اخلاقی است که بیشتر مردم بدان معتقدند و از آنجا که شباهت بیشتری با نحوه زندگی کنونی بیشتر انسانها دارد از آن با عنوان اخلاق رایج نیز نامیده می‌شود. در اخلاق اعتدالگرا مطالبات اخلاق از ما دارای حد و مرزی است. به عبارت دیگر، اعتدالگرایان، غالباً، معتقدند که ما پس از انجام وظایف اخلاقی خود (نباید)، می‌توانیم در گستره نسبتاً گسترده علائق شخصی خود به انتخاب بپردازیم. در اخلاق اعتدالگرا وظایف اصلی اخلاقی ما کار بد نکردن است و کار خوب کردن (کمک به محرومان، مظلومان، معلولان،...) فقط زمانی وظایف ماست که چندان دشوار نباشد. در اخلاق آدمی با ما تا اندازه‌های نسبت به دیگران اهتمام داشته باشد، اما لزوماً نباید تمام زندگی‌اش را صرف کمک به دیگران و حصول بیشتر بخیر برای بیشتر افراد کند.

تلاش شما برای دفاعی قراردادگرایانه از اخلاق اعتدالگرایان چه ویژگی‌ها می‌است؟
 هدف من در بخش دوم مرزهای اخلاق، دفاع از سه اصل اساسی اخلاق اعتدالگرا - یعنی حوزه‌های محدودیت و انتخاب، نظامی متناسب و منسجم از استثناهای وضعیت‌ها و دلایل در معرض دلالی در دفاع از افزایش خرد - است. من در این قسمت می‌کوشم بر اساس مبانی دو نوع قراردادگرای سودمحور و حقمحور از این سه اصل اساسی اخلاق اعتدالگرا دفاع کنم. علاوه بر این، می‌کوشم این نکته را توضیح دهم که زیرا پرداختن قواعد اخلاقی به دلایل انگیزه‌های خودخواهانه نشانگر نادانی فرد است و حتی اگر فردی فقط به دنبال ارضای حداکثری خودش باشد بهتر این راهکار برای شماست. این بندهای اخلاقی است. این طرح تا حد زیادی بدیع است، زیرا با بررسی دلالی که در دفاع از اخلاق اعتدالگرا در فلسفه اخلاق مطرح شده‌اند، با حجم بسیار اندکی از تلاشهای قراردادگرایانه مواجه می‌شویم. شما می‌توانید نقطه آغاز این حرکت را همان‌جا که می‌بینید به یکدیگر مدون می‌سازید و می‌توانید دانست، اما این زدن دفاع مستقیم از اخلاق اعتدالگرا را ندارد و هیچ اشاره مستقیمی به این نکته نمی‌کند؛ هرچند که حملات وی به مدل‌های اخلاقی پدیدگرایانه را، هم در کتاب مذکور و هم در مقاله معروف قراردادگرای و فایده‌گرای، می‌توان مقدمه‌های برای دفاعی قراردادگرایانه از اخلاق اعتدالگرا دانست. این مقدمه به‌تازگی مورد اقبال فلاسفه اخلاقی واقع شده که می‌کوشند دفاع قراردادگرایانه منسجمی از اخلاق اعتدالگرایان کنند. با وجود این، هنوز در آغاز راه این مدل‌های قراردادگرایانه در دفاع از اخلاق اعتدالگرا قرار داریم و به گمان من، با توجه به اقبال عمومی کنونی، دهه پیش‌رو سرشار از مدل‌های قراردادگرایانه پیشرو در دفاع از اخلاق اعتدالگرا خواهد بود؛ مدل‌هایی که هر یک با آراست شدن به زور نقد زنده‌اند و مدل‌های بهتری را فراهم خواهند کرد. مدل‌هایی که تاکنون آراسته شده‌اند - حتی اگر بپذیریم که از انسجام کافی برخوردارند - مدل‌های جامعی نیستند و در بهترین شکل فقط می‌توانند از حوزه محدودیت دفاع کنند. حال آنکه، هرگونه دفاع در خوری از اخلاق اعتدالگرایان می‌تواند علاوه بر دفاع از حوزه محدودیت، نظامی متناسب و منسجم از استثناهای وضعیت‌ها و دلایل در معرض دلالی در دفاع از افزایش خرد کلی آراسته کند. علاوه بر این، تقریباً همه مدل‌های آراسته شده فقط مبتنی بر قراردادگرای حقمحورند و گویا گمان می‌رود که قراردادگرای سودمحور از عهده چنین دفاعی برنمی‌آید. اما من گمان نمی‌کنم که می‌توان بر اساس قراردادگرای سودمحور نیز از اخلاق اعتدالگرا دفاع کرد و دو مدل مختلف بر اساس دو گونه قراردادگرایانه می‌کنیم که هرچند می‌توان برای مدل مبتنی بر قراردادگرای حقمحور پرهیبتی در برخی از فلسوفان جدید فلسفه اخلاق یافت، مدل مبتنی بر قراردادگرای سودمحور مسوق و محظوظ به چنین سابقه‌های نیست و این هم بر دشواری کار می‌افزاید و هم بر هرجان آن. با وجود این، من مدعی حل همه شکی و پادار مسئله‌ها زان مطالبه اخلاق نیستیم و گمان نمی‌کنم چنان ادعایی بسار گستاخانه و بی‌خبرانه است و تنها سعی می‌کنم راهحلی برای این مسئله و دفاعی از اخلاق اعتدالگرا، که شوه معمول و مألوف رفتار در روزگار ماست، آراسته کنیم و دست‌آبی به یک توافق و همدلی محدود در این زمینه برای ما خوش‌آیند خواهد بود. با وجود این، بر خود نپسندم که از هراس چاله‌گری زناپذیری ارتکاب اشتباه، به چاه نقد محض و فرار از نظر پدیداری فروافتد؛ هرچند که نظر به خود را همانند کودکی خردسال می‌دانم که هنوز می‌خزد.

در ارائه این نظر از چه کسانی الهام گرفته‌اید و آنچه کسانی به شما آری رسانده‌اند؟
 من، در آراسته این نظر، از همه چکس خاصی الهام نگرفتم و تمام هم و غم‌ام دفاع عقلانی از لزوم عمل اخلاقی برای همگان بوده است. جامعه‌شناسان رانی ما بهره‌مند از بن‌انهای سترگ اخلاقی است و پد امیر اسلام هدف از بعثت را

تکمه مل مکارم اخلاق م دانند. از نظر اسلام، آدمه ان فطرتا ن کخواهاند و سقف تکلف خداوند بر ستون وسع آدمی بنا نهاده شده است (لا یكلف الله نفسا الا وسعها) و به هم ن دل مل اخلاق بنا م تکلف مالا طاق بر آنها تحم مل کند. علاوه بر ان، از نظر شه ان حسن و قبح امور ذاتی است و عقل در تشخیص آن مستقل است. همه ان آموزهها نشانگر ضرورت تلاشی عقلاذ - اخلاقی است. آنچه بر ان ضرورت م افزا م شراط ملموس جامعه است. ب تعارف، جامعه ما با وجود برخوردارى از ان همه بنانهى سترگ اخلاقی، جامعهى اخلاقی ن ست. از هم ن روست که مثلاً راننده ان رانی بدون مسافر فراد می زند تنها یک مسافر د مگر برای حرکت لازم است و ب ن راه به جای رفتن به مقصد مسافران را به پمپ بنز ن می برد و بدون رضایت آنها موسقه ای را با صدای بلند پخش می کند و شخصا بر نرخ مصوب می افزا م و شب م در صد افزا ش را به ب ش از صد درصد م رساند و به راحتی آب خوردن از چراغ قرمز عبور می کند و ... ان ن معضلات مختص به راننده ان رانی ن ست و به سادگی می توان ان نابسامانی های ژرف اخلاقی را به صورتی تشکیکی در همه قشرها مشاهده کرد. اگر منظورتان از الهام، مفهومی روانشناختی مانند انگزه، ساق و دغدغه است، با م بگویم که ان شکاف ژرف کی از دغدغههای اصلی من در مرزهای اخلاق است. ام دوارم توانسته باشم با زبانی جد م لزوم پ روی از قواعد اخلاقی را نشان دهم. طرح مقدماتی مرزهای اخلاق، به شکلی خام و تراشیده، در 1384 در ذهنم نقش بست. با توجه به عدم طرح پ ش ن ان موضوع در داخل کشور و فقدان منابع فارسی، از همان زمان، چاره کار را در ارتباط مستقیم با فلاسفه پ ش و در ان زمینه م و الحق که آن بزرگواران از ه مچ کمکی برای فهم ان مسائل بد م در غ نورز م دند و با سخاوتی ستودنی هم موارد غامض را برام توضیح دادند و هم کتابها و مقالات زادی را برای درک بهتر موضوع پ شهاد دادند. لطف آن استادان بزرگوار تا بدانجا بود که هرگاه، به دل مل کمبود منابع، دسترسی به کتاب امقالهای برام م ممکن م شد، خود، آن را تهیه و ارسال م کردند. از م ان اساتذ بزرگوار، کمک سه استاد بارز تر بود: پروفیسور راجر کرسپ (Crisp Roger)، استاد دانشکده فلسفه دانشگاه آکسفورد (Oxford of University) و نو سنده بساری از مدخلهای مربوط به فلسفه اخلاق در هال معارفهای معتبر فلسفی جهات پروفیسور ه و لافالت (Hugh University of South Florida St. جنوبی فلور دای پترزبورگ سن دانشگاه اخلاق فلسفه استاد، LaFollette) (Shelly) ک مکن شلی پروفیسور و (Blackwell Publishing) ول بلک انتشارات فلسفی سترگ آثار و راستار و (Petersburg) ، هنجاری اخلاق درباره فلسفی ارزنده آثار نو سنده و (Yale University) مل دانشگاه اخلاق فلسفه استاد، (Kagan) پ ام دگرای م و م زبان مطالبه اخلاق.

آن چه ب ان کرده ام به ان اثر ختم می شود اما در آثار د مگر هم می تواند ادامه اید؟
مرزهای اخلاق سر آغاز پروژه سترگ و ارزشمندی است که - برخلاف پارهای از مسائل کپی پ ست شده از فلسفه غرب که ه مچ تناسبی با دغدغههای جامعه ما ندارند - بسار با دغدغههای کنونی جامعه متناسب است. من ان پروژه را در دو سطح ادامه م دهم: سطح آکادمیک و سطح عمومی. مخاطب من در سطح آکادمیک استادان و دانشجو ان فلسفه اند. در ان سطح م کوشم با تدریس در دانشگاه، نوشتن مقالات علم پ پژوهشی، شرکت در کنفرانسهای بنالمللی، راهنمای و مشاوره پ انانمهای مرتبط و ا راد سخنرانهای تخصصی ان پروژه را ادامه دهم و در سطح عمومی م کوشم هم ن مطالب را به صورت رفق شده در روزنامههای معتبر و فضای مجازی دنبال کنم.

برای آخر ن پرسش بفرما م در حال حاضر به چه کاری مشغول م؟
ا ر ا م مدل ترکیبی جد م برای م زهای مربوط به رخدادهای ناخوشایند و اصلاح مدل را مچ مبتنی بر تما ز انجاه/اجازه، تب ن استدلال نته وجه دوگانه، تحم مل اخلاق روابط بنالملل (به و ژه اخلاق تحریم و اخلاق جنگ)؛ ترجمه کتاب زندگی و اند شههای ادم اسم م نوشته جک راسل و نسته ن که به زودی در انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به زور طبع آراسته خواهد شد و ترجمه کتاب ارزنده پ ام دگرای م که به قلم خانم جول ا در ا و در 2012 نوشته شده است.

